

لزوم تصدیق طبابت برای معالجه بیماران و انتشار اولین نشریه علمی - دانشگاهی ایران در سالهای ۱۲۶۷ و ۱۲۹۹ ه. ق.

دکتر احمد هاشمیان

فکر ایجاد اصلاحات اساسی در حوزه‌های اداری، اجتماعی و نظامی ایران، بیشتر در سالهای پایانی سلطنت فتحعلی شاه و در زمان ولیعهدی عباس میرزا آغاز شد؛ اما بعد از مرگ وی، در زمان صدارت محمد میرزا (محمد شاه بعد) ادامه این روند، به جهت بی‌اطلاعی حاج میرزا آغاسی، وزیر وی، با کندی و وقفه، مواجه گردید. تا اینکه، در دوره صدارت ناصرالدین میرزا (ناصرالدین شاه بعد) و بویژه، در دوره کوتاه وزارت میرزا تقی خان امیرکبیر، زمینه‌های انجام اصلاحات یاد شده، به شکل روزافزونی فراهم آمد. به طوری که بخش زیادی از پیشرفتهای امروزی، در آن زمان پایه‌گذاری شد. به دیگر سخن، از دوران سلطنت ناصرالدین شاه تا پایان سلطنت احمدشاه و در واقع، سرانجام زمامداری قاجاریه در ایران، دوره پیدایش نهضت فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌باشد. به همین جهت، شاید بتوان این دوران را، به رغم بی‌خبری و وابستگی پادشاهان وقت، دوران رنسانس یا تحولات اساسی برهه معاصر ایران برشمرد. زیرا تحولات مزبور، تاثر فراوانی بر سرنوشت کشور در حوزه‌های مختلف برجای نهاد.

توسعه فرهنگی، ایجاد ادارات گوناگون و بسیاری از کارهای مثبت دیگر، ثمره شیرین آن دوران می‌باشد. امروزه بسیاری از آن اقدامات، در نظر مردم ابتدائی می‌آید؛ ولی باید دانست که پیدایش ین روشنگری در افکار، همراه با پدید آوردن نهادهای تمدنی جدید، از پیامدهای نظری و کارکردی مدرسه دارالفنون و نظامات حاکم بر آن بود که خود، نتیجه و بازتاب اندیشه و خردورزی میرزا تقی خان امیرکبیر بوده است.

امیرکبیر، در دوران کوتاه صدارتش - که بیش از سه سال و یک ماه ویست و هشت روز به درازا نکشید - آن چنان خدمت‌های برجسته‌ای به کشور کرد که شرحش، در کتابی بزرگ نخواهد گنجید. وی، بیش از هر چیز، به تربیت مردم و گسترش عدالت توجه داشت. از جمله کارهای میرزا تقی خان امیرکبیر، می‌توان به لزوم تصدیق طبابت پزشکان و دندانپزشکان، در امر معالجه بیماران اشاره کرد که نخستین بار در ایران وارد صحنه عمل گردید و توجه مردم را، رفته رفته به پزشکی نوین و طبیبان تحصیل کرده، معطوف ساخت و طب سنتی را - که تا آن زمان، بسیار متداول بود - آرام آرام کنار گذاشت.

لزوم تصدیق برای پزشکان

نخستین بار در ایران، در زمان صدارت امیرکبیر، قرار بر این شد که از سال ۱۲۶۷ ه. ق، تصدیق طبابت صادر شود تا هر کسی نتواند اسم طبیب روی خود بگذارد. تا آن زمان، واژه «طبیب فوج نظامی»، لغت مرسوم بود و پیشه چنان کسی، بر پایه تجربه بود.

دکتر کازولانی، حکیم باشی نظام، طبق دستور امیرکبیر، می‌بایستی کار طبیبان را نظارت می‌کرد و به آنان «تصدیق طبابت» می‌داد تا به طور رسمی، به کار پزشکی مشغول شوند. بعد از مرگ وی در سال ۱۲۶۸ ه. ق، دکتر پولاک، جانشین او گردید. (۱)

بر اساس دستور اعتضاد السلطنه - که در شماره ۵۴۱ روزنامه دولت علیه ایران، به تاریخ پنجشنبه ۲۸ شوآل ۱۲۷۹ ه. ق، چاپ شده است - ضمن نام بردن از تصدیق پزشکی، مقرر گردید که نام پزشکان دارای گواهینامه پزشکی، در روزنامه مزبور، به طور رسمی اعلام شود:

مدرسه مبارکه دارالفنون که در ماه مبارک رمضان تعطیل بود و در هر هفته، یک روز [در آنجا] مذاکره می‌شد، حال همه روزه، معلمین و متعلمین، در

مدرسه حاضر شده، مشغول تعلیم و تعلم علوم مقررّه می باشند و از اهتمامات اعتضاد السلطنة، وزیر علوم، هر یک مساعی جمیله به ظهور می رسانند که در درجات و مقامات تحصیل خود، ترقی حاصل نموده، فارغ التحصیل شوند. شاگردان طب مدرسة دارالفنون، از جهت اینکه از علم طب ایرانی و فرنگی، با سررشته می باشند، مردم، به آنها بسیار رجوع می نمودند و غالباً معالجات آنها، بافایده بود. چون بعضی از آنها، علم خود را تکمیل نکرده بودند، این اوقات اعتضاد السلطنة، به عموم شاگردهای طب، قدغن اکید نموده است که تا آنها را حکیم طولوزان، در علم فرنگی و میرزا احمد حکیمباشی کاشانی، در علم ایرانی امتحان نمایند، به معالجه مردم اقدام نکنند و بعد از آن، وقتی که هر یک، استعداد معالجه کردن داشته باشند، مشارالیهما، تصدیقی به آنها بدهند؛ آن وقت، به معالجه مردم اقدام کنند و سایرین، تا تصدیق نگرفته باشند، ماه ذون به عبادت مردم نخواهند بود؛ و بعد از امتحان، اشخاصی که تصدیق در دست دارند، اسامی آنها، در روزنامه های آینده، نوشته خواهد شد. (۲)

همچنین در شماره دوم روزنامه دانش، نشریه دارالفنون، در تاریخ هفتم شعبان ۱۲۹۹ ه. ق. ۱۴/ ژوئن ۱۸۸۲ م، با چاپ اعلانی، چگونگی ادامه کار رسمی پزشکان، بدین ترتیب روشن شد:

اعلان

این اوقات، مفروع سمع همایون و معروض خاک پای مبارک شد که در دارالخلافه الناصره، اطبای غیرحاذق و اشخاص نالایق راه، داعیه طبابت به خاطر رسیده و به معالجه، جسارت ورزیده اند. از آنجا که پیشنهاد خاطر خطیر اقدس و اقتضای رأی جهان آرای مقدس، همواره حفظ نفوس عموم نوکر و رعیت و ترفیه حال قاطبه اهالی مملکت است، امر قدر قدر همایونی، نافذ شد که در وزارت علوم، مجلس امتحانی برای این گونه اطبا تشکیل باید تا به مقتضای «هل یتوی الذین لایعلمون»، عالم از جاهل پدیدار گردد و حق از باطل ممیز آید. لهذا، انجام این خدمت و اتمام این نعمت راه، در کتابخانه مدرسة مبارکه، که از چهارم شهر شعبان، مجلسی که به وجود رؤس افاحم اطبا و وجوه اعظام حکما، که مجلس با احترام حافظ الصلحة دولتی راه، اعضای عظامند. مزین است، ترتیب داده، شروع به امتحان شد و عمّا قریب، رد و قبول هر یک از اطبا - که به معرض امتحان می آیند - در نمره های آتیه، ثبت و اطلاع ناظرین راه، عرضه می دارد.

پس از انجام این عنوان و اختتام این امتحان، شروع به استغراق در عمل دوا فروشان و تصحیح شغل عطاران خواهد شد و قوانین محکمه و قواعد لازمه، در آن باب، موضوع می شود که نفوس محترمه راه، از خطر دواهای عوض و غلط، محفوظ و ایمن نماید و شرح قوانین موضوعه، در اوراق مستقبه، متدرجاً مندرج می آید. (۳)

در سال ۱۹۱۱، بعد از وضع قانون تازه ای درباره کار پزشکان، دفتری برای رسیدگی به پزشکان و آمار ایشان تاسیس گردید که بر آن اساس، تمام کسانی که دارای ده سال سابقه طبابت و درمان بودند، می توانستند بدون گذراندن امتحان یاد دوره، اجازه رسمی طبابت بگیرند. البته، از آن زمان به بعد، طبابت فقط با مدرک پزشکی (چه از دانشگاه داخل و چه از خارج کشور)، که می بایست به تأیید مسئولان مربوط می رسید (۴)، صورت می گرفت. در همین مورد، در زمان سلطنت احمد شاه (۱۳۱۴، ۱۳۴۸ ه. ق.)، در تاریخ دوم رجب ۱۳۲۹ ه. ق.، قانون طب (طبابت)، مشتمل بر ۱۳ ماده، در جلسه سوم جمادی الثانی مجلس

شورای ملی، به شرح زیر، به تصویب رسید:

قانون طبابت

ماده ۱. هیچکس، در هیچ نقطه ایران، حق اشتغال به هیچ یک از فنون طبابت و دندانسازی ندارد مگر اینکه از وزارت معارف، اجازه نامه گرفته و به ثبت وزارت داخله، رسانیده باشد.

ماده ۲. در آتیه، اسنادی که وزارت معارف، آن را رسماً شناخته و به صاحب آن، اجازه نامه خواهد داد، از این قرار است: اولاً، تصدیقنامه هایی که در مملکت ایران، به توسط مدارس طبیبی دولت داده می شود؛ ثانیاً، تصدیقنامه های طبیبی دولتی ممالک خارجه.

ماده ۳. گیرنده اجازه نامه طبابت، مبلغ پنج تومان، به صندوق وزارت معارف باید کارسازی نماید.

ماده ۴. اشخاصی که هیچ یک از تصدیقنامه های مذکور در ماده دوم این قانون را ندارند و در تاریخ نشر این قانون، از پنج سال کمتر در طهران مشغول طبابت بوده (اند)، اجازه نامه، به آنها داده نمی شود و از مداومت به شغل مزبور، ممنوع خواهند بود.

ماده ۵. اشخاصی که دارای هیچ یک از تصدیقنامه های مذکور در ماده دوم این قانون نیستند و بیش از پنج سال و کمتر از ده سال در طهران طبابت کرده اند، اجازه نامه طبابت می توانند بگیرند؛ مشروط بر اینکه از تاریخ انتشار این قانون تا انقضای مدت سه سال، حاضر شوند که در حضور کمیسیون مخصوصی که بر طبق ماده هشتم این قانون، در وزارت معارف منعقد می شود، امتحان دهند یا آنکه تا مدت چهار ماه، یکی از اسناد ذیل راه، به وزارت معارف ارائه دهند: اولاً، تصدیق، [گواهی] تحصیل و تلمذ در مطب یکی از اطبای معروف، مشروط بر اینکه در آن تصدیقنامه، ذکر شده باشد که دارنده آن، لا اقل پنج سال بالاتر، از تلامذۀ او بوده باشد؛ ثانیاً، تصدیقنامه [از] [اطبای] مریضخانه دولتی و آمریکائی.

توضیح:

تصدیقنامه های مذکور، فقط تا چهار ماه بعد از نشر این قانون، اعتبار خواهد داشت و وزارت معارف، بر طبق آن، اجازه نامه طبابت خواهد داد. بعد از انقضای آن مدت، آن تصدیقنامه ها، از اعتبار خواهد افتاد و فقط اسناد مذکور در ماده دوم این قانون، برای تحصیل اجازه نامه طبابت، معتبر خواهد بود.

ماده ۶. اشخاصی که بیش از ده سال، استمراراً مشغول طبابت بوده اند، به هر حال حق دارند اجازه نامه طبابت بگیرند.

ماده ۷. برای آنکه اشخاص مذکور در ماده پنجم و ششم این قانون، به وزارت معارف معرفی شده، اجازه نامه بگیرند، از تاریخ نشر این قانون تا مدت چهار ماه، کمیسیونی در وزارت معارف منعقد خواهد بود که اشخاص مزبور، می توانند خودشان را به آن کمیسیون معرفی نمایند و کمیسیون مزبور، مرکب خواهد بود اولاً، از یک نفر از معلمین طب مدرسة دارالفنون؛ ثانیاً، از یک نفر از اطبای مریضخانه دولتی؛ ثالثاً، از یک نفر از اطبای مریضخانه آمریکائی؛ رابعاً، از یک نفر از اطبای معروف ایرانی؛ خامساً، از دو نفر نماینده وزارت معارف که یکی از آنان، رئیس کمیسیون خواهد بود. اشخاص مزبور راه، وزیر معارف، تعیین خواهد نمود.

ماده ۸. از تاریخ نشر این قانون تا مدت سه سال، هر سال دو نوبت در بهار و پائیز، یک کمیسیون در وزارت معارف منعقد خواهد شد. برای اینکه مطابق

ماده پنجم این قانون، اشخاصی که بیش از پنج سال و کمتر از ده سال در طهران طبابت کرده و هیچ نوع تصدیقی ندارند و خود را به کمیسیون مذکور در ماده قبل، معرفی نموده اند، به معرض امتحان در آورند. کمیسیون مزبور، مرکب خواهد بود اولاً، از معلمین رسمی دارالفنون؛ ثانیاً، از چهار نفر از اطباء معروف؛ ثالثاً، از یک نفر نماینده وزارت معارف که رئیس کمیسیون خواهد بود. تعیین اشخاص مذکور، با وزارت معارف است.

ماده ۹. اشخاصی که تا تاریخ نشر این قانون، در ولایات مشغول طبابت بوده یا در طهران و ولایات، دندانسازی می کردند، باید تا یک سال بعد از نشر این قانون، خود را به وزارت معارف معرفی کرده، برای مداومت به شغل مزبور، اجازه نامه تحصیل نمایند، لیکن پس از انقضای یک سال، در هیچ یک از نقاط ایران، به هیچکس اجازه نامه طبابت و دندانسازی داده نخواهد شد، مگر به موجب اسناد مذکور در ماده دوم این قانون.

ماده ۱۰. هر کس، برخلاف مقررات مواد فوق، به شغل طبابت مشغول شود، در نوبت اول، اخطار می شود و در نوبت دوم، چهار ماه محبوس و در نوبت سوم، یک سال محبوس خواهد شد.

ماده ۱۱. بعد از انتشار این قانون، هیچ طبیبی، برای امور صحیه و طبیه، در ادارات دولتی مستخدم و اجیر نخواهد شد، مگر آنکه به موجب اسناد مذکور در ماده دوم، دارای اجازه نامه طبابت باشد.

ماده ۱۲. نسخه رمز کلمه، ممنوع است و هر طبیبی که نسخه رمز بدهد، مجازات او، چهار ماه حبس خواهد بود.

ماده ۱۳. وزارت داخله، مراقب خواهد بود که مدلول ماده اول این قانون، از چهار ماه بعد از نشر آن در تهران و از یک سال پس از نشر آن در ولایات، به موقع اجرا گذاشته شود.

قانون طبابت، مشتمل بر ۱۳ ماده، در جلسه پنجشنبه سوم شهر جمادال ثانیة، به اکثریت ۳۴ رای، در مجلس شورای ملی تصویب شد.

حسین مؤتمن الملک

این قانون طبابت، به موجب اصل هفدهم و سی و سوم قانون اساسی، ملاحظه شود.

مورخه دوم رجب تنگوزیل ۱۳۲۹

ناصر الملک نایب السلطنه

«دانش»، اولین نشریه علمی - دانشگاهی ایران

«نشریه دانش» (۵)، که در نوع و زمان خود، نشریه ای با ارزش بود از ابتکارات علیقلی خان مخیرالدوله می باشد. این نشریه، بر ایگان به استادان و دانش آموزان دارالفنون، داده می شد.

میرزا کاظم پسر میرزا احمد محلاتی، معلم شیمی مدرسه، دستیار علیقلی خان در چاپ آن بود. این نشریه، در «دارالطباعة خاصه علمیه مدرسه مبارکه دارالفنون»، به چاپ می رسید. از نویسندگان دیگری که امضای آنها در زیر مقالات آن بوده، می توان از حاج نجم الممالک، میرزا محمود خان و

جعفرقلی خان نام برد. اداره چاپخانه نشریه نیز، زیر نظر میرزا عباس که خود، نقاش و «باسمه چی» بود، قرار داشت.

این مجموعه، نخستین نشریه علمی، دانشگاهی در ایران می باشد که شماره نخست آن، در ۲۳ رجب ۱۲۹۹ ه. ق. و آخرین شماره آن (شماره چهاردهم)، در ۱۶ صفر ۱۳۰۰ ه. ق. منتشر گردید. بنابراین، عمر آن، فقط به ۶ ماه و ۱۶ روز رسید. با این وجود می توان گفت که: مجموعه یادشده، نخستین و بزرگترین قدم در راه انتشار نشریه ای علمی، دانشگاهی در ایران بوده است. همچنین، نشریه دارالفنون تبریز، که فقط ۴ شماره از آن منتشر شد. در این راستا می باشد.

پی نوشتها:

۱. آدمیت، دکتر فریدون، امیر کبیر و ایران، خوارزمی، ۱۳۶۶، ص ۳۳۶.
۲. روزنامه دولت ایران، ۲۸ شوال ۱۲۷۹ ه. ق.، ش ۵۴۱ ص ۴.
۳. روزنامه دانش، هفتم شعبان ۱۲۹۹ ه. ق.، ش ۲، ص ۴.
۴. سیریل، الگود، تاریخ پزشکی ایران، تهران ...، ۲۵۲۶، ص ۸۹.
۵. نشریه علمی و خبری مدرسه دارالفنون می باشد که شماره چهارم آن، به تاریخ ۱۵ رمضان ۱۲۹۹ ه. ق.، جهت اطلاع خوانندگان، در ذیل می آید:

کاشف دقائق معارف و آداب، و عارف بر حقایق طویف و اسباب، جناب مقرب الخاقان، میرزا یوسف خان مستشارالدوله، مطلب ذیل را به اداره دانش فرستاده اند، بعینها ثبت می شود.

رازها را چون بیاری در میان زگهار تازه کن در قشرا
اکثر مفسرین و بعضی اهل لغت، به اتباع کتب مشوشه تاریخ، ذوالقرنین را، که در آیه کریمه «و یسلطونک عن ذی القرنین. قل سائلو علیکم منه ذکرا» ذکر شده، او را، رومی تصور کرده و اسمش را هم، اسکندر دانسته اند؛ و حال آنکه اسکندر رومی یایونانی، یک شخص بوده و پسر فیلیپ یا فیلیپوس. که سُناخ و کتاب، آن را ا فیلیپوس کرده اند. حکمران ماکادونیا مقدونیه بوده از ماکادونیه، ولایتی است متصل به شمال یونان، و ادرار وایت دیگر، دختر زاده فیلیپ یعنی پسر داراب بن بهمن بوده. اینکه اسم ذوالقرنین، اسکندر نبوده، در نزد اهل تحقیق معلوم است. چون از دهن دختر فیلیپ، زن داراب بن بهمن، یادشاه ایران، بوی کریمه می آمد، در حالتی که از داراب، حامله بود، به طرف پدرش فیلیپوس، اطلاق و ارسال شد. بعد از رسیدن به ماکادونی، وضع حمل کرد. اسمش را «الکسندر» گذاشتند که به معنی آدم نیک است، بعد به اسکندر، مشتهر شد و وارث تخت یونان و ماکادونی گردید و با برادر پدري خود، داراب بن بهمن، جنگ کرده و غالب آمد و برادرش (دارا) مقتول شد و اسکندر، به ارشاد ارسطوی حکیم، ایران را، به حالت ملوک الطوائف گذاشت و این کیفیت، نهصدوسی و پنج سال قبل از هجرت نبوی. صلی الله علیه و آله بود. و زمان اسکندر مزبور، از ذوالقرنین، که بانی سد است، یک هزار و نهصد و پنجاه سال بعد بوده که الی زمانها، چهار هزار و یکصد و هشتاد و پنج سال می شود. ذوالقرنین، که در آیه کریمه ذکر شده، دو هزار و نهصدوسی و سه سال قبل از هجرت بوده و از کتب تواریخ و انساب، مفهوم می شود.

«رساله مفتاح العلوم، ترجمه معتمد السلطان، جعفرقلی خان سرتیب اوک و رئیس مدرسه مبارکه دارالفنون». و جسم خشکی را آتش زنده و ثابت نشده است که سبب آتش گرفتن بعضی خانه ها در تابستان، اشعه شمس نباشد.

(۱۵) من: چرا اگر نور ماهتاب را، در روی آتشیخانه عدسی بزرگی جمع کنند، تقریباً درجه حرارت میزان الحراره، ارتفاعی پیدا نمی کند؟ ج: چونکه نور ماه، عبارتست از نور آفتاب که در کره قمر منعکس شده است. لهذا، عده اشعه حرارتی آن، به مراتب کمتر از نور آفتابست و جزئی حرارتی که در نور ماه هست، به واسطه محیط کره ارض، معجذب می شود. از تجارب «علمی» و «سیمنس» در بالای قله «نریف». که ارتفاع زیادی از سطح دریا دارد و لهذا، اثر جرقبیلی هوا، در آنجا چندین محسوس نیست. ثابت شده است.

دوشنبه یازدهم شهر محرم الحرام
خالدین ابن دوزنامه در طهران کتبه
از سایر بلاد ایران خوشنویس
قیمت ندارد



سید یکرزلیه خانراشته
اعلان این مدتی که قیمت ندارد
دارالطبعا عشره خاصه علی بن کعبه
میان کربار القنون

دوستان ذائقه ای و مرتب رطوبت و شجافا یقینیه مدتی و هرگز این اطفال
که بعلو مویوط دبیر بید مویوط نماید باز آید و در علو بفرستد و در مویوط

کاشفه فایده صیغه اذات غارف بر خطای حلوا یف
اشا جناب مقربا الخان میرزا و وصف نماز مشا الذ
مطلب بران با اواز و دفتر شده اند بهیما تنگ میشود
و از هزارا چون بیاری در میان
و کجا از اناز کن در قشرا ن
اکثره مغربه بعض اهل لغت نظر بانواع کتب شوشه
توانیم ذوالقرنین را که در ایله کریمه و تستلونات
عن ذی القربین قل سائلو علیا کوفیه و کرا ذکر شده
اورا در مویوط کرده و با مشرا اهم اسکنه دانسته اند
و حال آنکه اسکنه در دنیا ایوانا فایده شخص بوده و در غلبه
با غلبه نوس یا غلبه نوس که تسامخ و کباب بلعوس کرده اند
حکرا ن ما کاد دنیا بوده و در وایله یک در خزر اده نایله
بیش از این بهین بوده (ما کاد دنیا ایوانا فایده شخص بوده)
اینکه اسم ذوالقرنین اسکنه بود و در ذوالقرنین
معلوم است

چون از دهری در خزر فایده دارا بر این بادشاه ایران
بوی که بر این امده در عالمه که از ارباب عالمه بود بطین بدیش
غلبه نوس اطلاق و از سالها شد بکند از رسیدن ما کاد و
وضع عمل کرده مشرا (الکسکه) که داشتند که معنی آن
بکند است بکند باسکنه در شهر شد و در شهرت بونان
و ما کاد و در کربد دنیا برادر پدید خود دارا بر این بهین
بکند کرده و مقابل مدو برادرش (دانا) مقبول شده
اسکنه بارشرا اسطوری حکیم ایران و با مخالف ملوک القون
که داشتند از کسبند و فساد می و بچند قبل از هجرت بشو
سلی الله علیه و آله بود
و زمان اسکنه بهر بود از ذوالقرنین که ناف سندان
یکه هزاره فساد و بجهان تا بکند بوده که از این تا اینها
چهار هزاره یکه فساد و بجهان تا بکند بوده که از این تا اینها
که در دنیا که بکند و هزاره فساد می و بچند سال
قبل از هجرت بود و از آنکه چهارم و انساب معوم میشود

لما ابحر الامم بجمه السلاطین اول بکند رسد کمال الان
رسا مقنا العلو نوز معتمد جعفر بن شهر پور و ما فیلدی القون

و بچند کربا القون بکند و نایله شده است که کبلا نوز کربن بکند خاها ناد و نایله شده است
(۱۸) پس چرا که نوز ما خاها با در ذوی القون نه مدعی بزرگه جمع کنند تقریباً درجه حرارت نوز و حرارت انفا بوسیله
بکند که چونکه نوز ما خاها در کربا نوز انخاب که در کوه قمر بکند شده است لهذا اعتدال شهر اول ان بر این بکند
انفا بکند چون برادر که در نوز ما خاها بوسیله هوا عبدا کرده و بر بچند بکند و بچند از بچند ملتی و سیمین در دنیا اول
تشریف که در نفع دنیا بچند بکند و نایله دارد و نایله اشراف بچند هوا در انجا بکند ان عوس بکند بکند و آ

دوشنبه شانزدهم محرم ۱۲۹۹
 خامین این روزنامه در طهران و غیره
 از سایر بلاد ایران خوشطلب
 قیمت نداردند



مطابق چیزی که در شماره آخر از شماره ۱۲۹۸
 اعلان این روزنامه قیمت ندارد
 در امر الطباعه خاصه علی بن محمد در کوه سید
 مبارک در دارالفنون

انتخاب علمای

دکتر آلبو که یکی از معارف طبای برلین
 بای تحت مملکت المانی است بر حسب درجه تعلق
 اندر هینون شهر بایر و معارف و انتخاب جناب
 جلاله آلب محمد الذوالریز و وزیر علوم و معادن و غیره
 ندویر مدرسین مبارکه دارالفنون احضار شده بود
 در این روزها وارد دارالخلافه بامر کردید کاتبه
 فهرست و دستورالعمل (برگرم) جهت ترتیب تحصیل
 علوم متعلقه طبایات نوشته عاقر بیک در مراتب علوم
 طبیه و سایر شعبه متعلقه باین فن شریف و اعمال بد
 و کلیت (دروس عملی شاگرد در کسری پنجا) در مدرسین
 و مرضخانه مبارکه اقدامات لازم بعمل خواهد آورد

امید چنانست که این طبقه طلاب طبیبان از هر حیث
 کامیابی کامل و فایده تحصیل شوند ازین برزید سبب
 اعلی حضرت قوی شوکت شاهنشاه اسلام پناه و جانا
 خداه الحشا خاندن با علم و عمل ازین مدرسه مبارکه
 بیرون آید و عموم رعایا و میراثا از ادیات مستفید
 و مستفیض شوند

و حسب امر قد قد درجه تعلق بستگان اعلی حضرت افند
 شاهنشاهی و معارف جناب جلاله آلب محمد الذوالریز
 علوم و معادن و غیره بکنیز بهتدریس معدن اوزونک
 خواسته بودند که در مدرسه مبارکه بتعلیم متعلمین
 مخصوصا اشتغال دزد و هم در صورت لزوم بخدمات
 مستقر بمیادان اقدام نماید بعد این روزها هستی

ها و کپسول مندر معدن انگلیس که برای
 انجام این خدمات منقر شده بود و مردی عالم و
 فاضل است او در شد و یکدیگر متناکر و مخصوص
 بمشاورا لیس میزند که در معدن کسره آنها را از تمام
 شعب علوم متعلقه بمیادان تعلیم نماید

خبر روزنامه دانش درباره دکتر آلبو و هادکینشن و چگونگی جذب و انجام خدمت آنها
 (روزنامه دانش، ۱۶ ذی حجه ۱۲۹۹ - ۳۰ اکتبر ۱۸۸۲ و ۱۴ سپتامبر ۱۸۸۲)

اعلان

این اوقات شروع سمع های یون و معروضات کجای مبارک
شد که در دار الخلافه التامنا و الحنا و غیره از قد و اشخاص
تالاب و زاد اعظم طبابت بخاطر سپید و عمالجه
جسارت و وزیده انداز آنجا که پیش نهاد خاطر خطیر
اقدیر و افتخار ای بیجا آرای مقدس هوای حفظ امور
عمومی و کور و حیت و ترفیه حال قاطبه اهل مملکت است
امر قد قددها یولای نافذ شد که در وزارت علوم
مجلس مطالی برای لیکون و طبابت شکل نماید تا بمقتضای
(هل یتیکو الذین یملکون والذین لا یملکون) عار از ظاهر
پدید آرکند و حق از باطل تمیز آید لهذا انجام این عهد
و اتمام این عهد داد و گناخانه مدرسه مبارک که انصار
شهر شنبه بجهتیکم بوجود ریس انجم طبابت و جوا فاعلم
سکا که مجلس الاحرام حافظ العقود و لجنه الاعضاء عظامند
مقرر است ترتیب داده شروع با امتحان شد و غماق هر چه
تدریج قبول هر یک از طبابت که معترض امتحان می آیند در
نمرجاتیه ثبت و اطلاع ناظرین با عرض میلا
چرا ز انجام این عنوان و اتمام این الحنا شروع با استغفار
دکتر و دوا فرشان و تصحیح شغل نظام و ان خواهد شد
و قوانین محکم و قواعد اعلامه در آن باب موضوع میشود که
فنون معتبره را از خطر و آهای عوض و فله اعضا و این
نمایند شرح قوانین موضوعه در اوراق مستقبله
مستورجا مستند به می آید

اعلان جذب طبیب (پزشک) از طریق برگزاری امتحان